

هنگام آبل زلفش به

نشانی و نگاهه قلبی ز لاله چشمها

ز آب سحر رقیبهها

Shirvan

مجموعه آثار شامی (مجموعه شامی) (مجموعه آثار شامی) (مجموعه آثار شامی)

پیشین و بعد از آن

در روزهای گذشته

(مجموعه آثار شامی) (مجموعه آثار شامی) (مجموعه آثار شامی)

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

این برگها را یاد از چهار فصل چندین سال آورده است. جلال شامی

مجموعه آثار شامی (مجموعه آثار شامی) (مجموعه آثار شامی)

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

در روزهای گذشته

برگ‌های بادآورده

نگاه معاصر

نوشته‌هایی درباره مولانا و آثارش

توفیق هـ. سبحانی

فهرست

۹.....	زندگی مولانا جلال‌الدین رومی، آثار و افکار او
۳۳.....	شمس تبریزی
۵۳.....	درباره نسخه‌یی از «مثنوی»
۶۱.....	دفتر هفتم مثنوی از مولانا نیست
۷۳.....	کهن‌ترین نسخه‌های مثنوی تا پایان قرن نهم هجری
۱۱۹.....	شرح‌های مثنوی
۱۵۵.....	بررسی آخرین شرح مثنوی در ترکیه
۱۶۷.....	مولانا در مثنوی
۲۰۵.....	مولانا در مثنوی و غزلیات شمس
۲۱۵.....	دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر
۲۳۱.....	معنای هجده بیت آغاز مثنوی
۲۴۹.....	بعضی لغات و تعبیرات نویافته در مثنوی
۲۸۳.....	«دُش و فُش» یا «قُش و دُش» در کلیات شمس و مثنوی
۳۰۱.....	خوانشی دیگر در اصلاح عنوانی از مثنوی و یکی از رباعی‌های مولانا جلال‌الدین
۳۰۵.....	سماع
۳۱۱.....	شعر و موسیقی در سماع مولویان
۳۲۵.....	مولانا جلال‌الدین و یادی از حاجی سبزواری
۳۳۳.....	تأثر مولانا از دیگران
۳۴۵.....	نشان برخی اندیشه‌های مهاتما گاندی در آثار صوفیانه ایرانی، بویژه مثنوی

دربارهٔ این اثر

این برگها را باد در چهار فصلی چندین سال آورده است. جلال‌الدین محمد بلخی می‌گوید: «باد بهاران پویان و ترانه‌گویان می‌آید، خزان را می‌راند و جهان را خندان می‌کند. برخلاف آن باد خزان باغها را می‌پژمراند و دانه‌های بارور را در زیر خاک زندانی می‌کند، به ظاهر چون گل خنده می‌زند، اما در باطن چون خار در پای می‌خلد.» باز به فرمودهٔ مولانا: «درختی از باد می‌پرسد که چند وزی؟ باد گفت: باد بهاری کند، گرچه تو پژمرده‌ای!»

این برگهای باد آورده که نام آن نهادهٔ سخن پرداز به‌گزین جناب احمد رضا احمدی است، و سپاس صمیمانه به پاس این لطف ظریف از ایشان دارم، نوشته‌هایی است در موضوعات گوناگون که همه دربارهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، آثار و اطرافیان اوست. شاید علاقه‌مندان به مولانا در میان این باد آورده‌ها مطلبی بیابند، بیسندند و تأیید کنند و مطالب دیگر پاورقی بزنند و بگذرند. ممکن است برخی بر آن باشند که آنچه بادش آورده است، بگذار بادش هم ببرد. اما من که این برگها را جمع و تنظیم کرده‌ام، بر آن پندارم که در لابلای آنها به نکاتی اشاره شده باشد که بعضی از دوستداران مولانا جلال‌الدین طالب باشند که آنها را بدانند.

از مدیر ارجمند نشر نگاه معاصر، جناب آقای قنبری صمیمانه سپاسگزارم که چاپ و نشر این اثر را تقبل فرمودند. برای ایشان و آقای امید سید کاظمی که در حروف‌نگاری و تنظیم کتاب زحمات فراوانی تحمل کردند، متشکرم.

زندگی مولانا جلال الدین رومی، آثار و افکار او

قرن هفتم هجری در آناتولی دوره اختلاط مذهب‌ها و حتی ادیان بود. تصوّف هم در این قرن در آناتولی گسترش فراوان یافت. تسامح پادشاهان سلجوقی درباره ادیان و مذاهب، یورش مغول و ناامنی از جمله عواملی بود که به گسترش تصوّف سرعت می داد. مشایخ بزرگی چون فخرالدین عراقی (۶۸۸هـ)، نجم‌الدین دایه معروف به رازی (۶۵۴هـ)، اوحدالدین کرمانی (۶۳۵هـ) و سلطان ولد (۶۲۸هـ) که به آناتولی مخصوصاً قونیه کوچ کرده بودند، موجب رواج طریقت و آرای تصوّف شده بودند. صدرالدین قونوی، پسرخوانده محیی‌الدین بن عربی (۶۳۸هـ) در قونیه اقامت داشت. طریقت رفاعی که در قرن هفتم طریقت احمدی نام داشت و به وسیله بازی با مار و کژدم و آتش و حرکات خارق‌العاده، گروهی را دور خود جمع می کرد، در آناتولی رواج داشت. طریقت‌هایی چون قلندریه، ادهمیه، جامیه و سلسله ابدال که از ملامتیه بودند و خراسانیان یا اصلان خراسان نام داشتند و از بابایی‌ها انشعاب پیدا کرده بودند، در آناتولی در کنار هم می زیستند و به سبب داشتن عقاید شیعی - باطنی شباهت‌های زیادی با هم داشتند. اهل فتوت یا جوانمردان که با تشکیلاتی سرّی و اقتصادی از دوره ساسانیان ظهور کرده بودند، در سراسر آناتولی پراکنده بودند، تقریباً در هر شهری لنگری دایر کرده بودند. اقبال مردم به تصوّف سبب شده بود که سلاطین و وزیران و مالکان بزرگ هم به طریقت پیبوندند، چنان‌که عزالدین کیکاووس اول در زمان الناصر لدین الله خلیفه عباسی، شیخ مجدالدین اسحاق را به بغداد روانه و به وسیله او از خلیفه ازار فتوت طلب کرد. معین‌الدین سلیمان پروانه نیز در توقات خانقاهی برای عراقی ساخت.